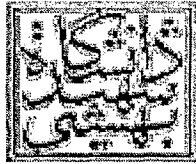


كَلَامُ الْإِسْلَامِ

91450



دانشگاه شهید بهشتی

دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی

تأثیر تهدیدات نامتقارن خاورمیانه بر دکترین امنیتی - راهبردی  
نئومحافظه کاران ایالات متحده آمریکا

پایان نامه ارائه شده به گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه  
شهید بهشتی

برای دریافت دانشنامه کارشناسی ارشد در رشته مطالعات منطقه‌ای

توسط:

عبداله پروین

استاد راهنما:

دکتر سید عبدالعلی قوام

استاد مشاور:

دکتر محمود سریع القلم

دیماه ۱۳۸۶

۹۲۶۷۵

دانشگاه شهید بهشتی  
کتابخانه مرکزی

۱۳۸۶ / ۱۲ / ۲۷

گر مَخیر بکنندم به قیامت که چه خواهی

دوست ما را و همه نعمت فردوس شما را

برگ تأییدیه پایان نامه

عنوان پایان نامه: تأثیر تهدیدات نامتقارن خاورمیانه بر دکترین امنیتی - راهبردی نئومحافظه کاران ایالات  
متحدۀ آمریکا

دانشجو: عبدالله پروین

دوره: کارشناسی ارشد رشته مطالعات منطقه‌ای

این پایان نامه در جلسه ۱۳۸۶/۱۰/۱۵ با نمره ۱۹ و درجه عالی مورد تأیید اعضای کمیته پایان  
نامه متشکل از اساتید زیر قرار گرفت:

استاد راهنما

امضاء

استاد مشاور

امضاء

استاد ناظر

امضاء

دکتر سید عبدالعلی قوام

دکتر محمود سریع القلم

دکتر محمدرضا تاجیک



دانشگاه طرم انٹرنیشنل و سیاسی

کد (۱۵۰)

اذعان

مطالب ارائه شده در این پایان‌نامه توسط اینجانب در دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی در فاصله زمانی آبان ۱۳۸۵ تا دی ۱۳۸۶ به انجام رسید. به استثنای کمک‌های مورد اشاره در سپاسگزاری، محتوای پایان‌نامه به طور کامل توسط خود اینجانب صورت گرفته است.

این پایان‌نامه یا بخشی از آن برای دریافت هیچ مدرکی به این دانشگاه یا دیگر دانشگاهها ارائه نشده است.

عبداله پروین  
دی ۱۳۸۶  
امضاء

## تقدیر و تشکر

از استاد بزرگوار و فرهیخته جناب آقای دکتر قوام راهنمایی‌ها و کمک‌های ارزشمند ایشان و مشاور محترم جناب آقای دکتر سریع‌القلم که با سخت‌گیری‌های سازنده و دقت کم‌نظیر خود مرا در نوشتن این پایان‌نامه یاری رساندند و همچنین جناب آقای دکتر تاجیک که با نهایت بزرگواری و متانت داوری این پایان‌نامه را پذیرفتند صمیمانه تشکر و قدردانی می‌نمایم.

از دوستان عزیز آقایان دکتر آرمین امینی و رضا یوسفی مقدم به خاطر کمک‌ها و همکاریهای با ارزش ایشان کمال سپاسگزاری را دارم.

برای دوستان و همکلاسی‌های عزیزم آقایان سید احمد فاطمی‌نژاد، سید رسول حسینی، محمد قیصری، صابر کرمی، جمال جمالی، بهمن نجفی و خانم‌ها سمیه حیدری، سمیه صالح‌نیا و همچنین معصومه ثانی آرزوی موفقیت و سربلندی دارم.

در پایان از دوست به یاد ماندنی، سروش، که همواره مشوق و انگیزه‌بخش من در این راه بوده تشکر و سپاسگزاری می‌کنم و برای ایشان آرزوی سربلندی را دارم.

عبداله پروین

زمستان ۱۳۸۶

عنوان: تأثیر تهدیدات نامتقارن خاورمیانه بر دکترین امنیتی - راهبردی نئومحافظه‌کاران ایالات متحده

آمریکا

دانشجو: عبدالله پروین

استاد راهنما: دکتر سیدعبدالعلی قوام

دوره: کارشناسی ارشد

تاریخ ارائه: ۱۳۸۶/۱۰/۱۵

چکیده:

استراتژی امنیتی - راهبردی ایالات متحده در نخستین دهه سده بیست و یکم بسیار متفاوت با استراتژی این کشور در سده بیستم می باشد. پس از پایان جنگ سرد و تعارضات ایدئولوژیکی مابین دو ابرقدرت شرق و غرب در اواخر دهه ۱۹۸۰ به دلیل تغییر و دگرگونی در قواعد بازی بین المللی بسیاری از مفاهیم و متغیرهای بین المللی از منظر سطح تحلیل دچار دگرگونی شدند.

در دوران نظام دو قطبی ایالات متحده به منظور مقابله با تهدیدات - عموماً این تهدیدات نشأت گرفته از بلوک شرق و تعارضات ایدئولوژیکی - امنیتی با اتحاد جماهیر شوروی بود - از استراتژی بازدارندگی که مبتنی بر ضربه دوم بود استفاده می نمود. همچنین در این دوران ایالات متحده در راستای ایجاد توازن ایدئولوژیکی و افزایش سطح تأثیرگذاری راهبردی - امنیتی خود در نظام بین الملل می کوشید تا با حمایت و تجهیز گروههای ایدئولوژیکی مبارزه طلب علیه اتحاد جماهیر شوروی سطح تأثیر گذاری این کشور را کاهش دهد.

در دوران پساجنگ سرد به دلیل فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و بلوک شرق و دگرگونی در مفهوم تهدید متقابل، گروههای فوق‌الذکر کارکرد امنیتی - راهبردی خود را در استراتژی امنیتی دولتمردان ایالات متحده از دست دادند و ایالات متحده با قطع حمایت‌های مالی و تسلیحاتی خود از آنها، آنانرا به مثابه گروههای تروریستی تلقی نمود. بسیاری از این گروهها - بویژه گروه القاعده که برخاسته از گروه سربازان عرب - افغان تحت حمایت ایالات متحده در دوران نظام دو قطبی بود - به دلیل کارکرد نظامی خود در دوران جنگ سرد، در مقطع زمانی پساجنگ سرد نیز فعالیت‌های خود را علیه ائتلاف غرب ادامه دادند و با توجه به شاخصه فراملیتی خود تلاش نمودند تا علیرغم قدرت نظامی - امنیتی غیر متوازن خود با دولت ایالات متحده - که جنبه نظامی غیرکلاسیک دارد و به عنوان تهدید نامتقارن قلمداد می شود - نقاط آسیب پذیر امنیتی این کشور را مورد تهدید قرار دهند که رویداد ۱۱ سپتامبر نقطه عطفی در این زمینه تلقی می

گردد. در دوران جدید و پس از رویداد ۱۱ سپتامبر دکترین امنیتی- راهبردی ایالات متحده عمده‌ترین تهدیدات خود را بواسطه تهدیدات نامتقارن- که دارای ماهیتی خاورمیانه‌ای می‌باشد- ارزیابی می‌کند و با توجه به اینکه این تهدید کنندگان از نقاط آسیب پذیر مشخص برخوردار نیستند و دائماً از استراتژی جنگ روانی و تبلیغاتی و نبردهای شبکه‌ای بهره می‌گیرند و هدف عمده خود را ضربه زدن به منافع کلان راهبردی- امنیتی ایالات متحده تلقی می‌کنند، دکترین امنیتی- راهبردی ایالات متحده دستور کار ضربه اول- که دارای رویکرد و جهت گیری تهاجمی می باشد- را برای مقابله با این تهدیدات برگزیده است. بررسی تأثیر تهدیدات نامتقارن خاورمیانه بر اسناد امنیتی ایالات متحده- اسناد مطرح در مقوله دکترین امنیتی- راهبردی ایالات متحده دو سند عمده در موضوع مبارزه با تهدیدات نامتقارن در سالهای ۲۰۰۲ و ۲۰۰۶ است که طی آن بر ضرورت مبارزه با تهدیدات نامتقارن به عنوان بزرگترین چالش امنیتی ایالات متحده تأکید گردیده است- موضوعی است که در این پژوهش مورد مذاقه قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: تهدیدات نامتقارن، دکترین امنیتی- راهبردی، رئالیسم تهاجمی، ثبات هژمونیک، حمله پیشدستانه، تغییر

ژیم، رقیب بالقوه، تروریسم پست مدرن



فهرست مطالب

کلیات پژوهش

- ۱- مقدمه: طرح مسأله (تعریف و اهمیت موضوع)..... ۲
- ۲- سابقه تحقیق ..... ۴
- ۳- سوال اصلی و سوالات فرعی..... ۵
- ۴- مفروض ها..... ۶
- ۵- فرضیه ها ..... ۶
- ۶- مفاهیم و متغیرهای اصلی تحقیق ..... ۷
- ۷- روش تحقیق ..... ۸
- ۸- فهرست مطالب پایان نامه و برنامه زمانبندی انجام آن ..... ۸

فصل اول: چارچوب نظری: رئالیسم تهاجمی، تبیین دکترین راهبردی- امنیتی ایالات متحده آمریکا

- مقدمه..... ۱۲

بخش اول:

- رئالیسم تهاجمی: پیشینه و ابعاد..... ۱۲
- دولتها و قدرتهای بزرگ به عنوان بازیگران اصلی حوزه نظم و امنیت بین المللی..... ۱۳
- حاکم بودن اصل آنارشی، ماهیت تعارضی امور جهانی و قدرت به عنوان داور نهایی..... ۱۴
- بقا ریشه اصلی رفتار تجاوزکارانه ..... ۱۶
- هژمونی فراهم آورنده بالاترین سطح امنیت و ایجاد نظم بین المللی ..... ۱۷

بخش دوم:

تحلیل نظری دکترین راهبردی- امنیتی ایالات متحده بر اساس رئالیسم	
تهاجمی.....	۱۹
الف- اندیشه های لئو اشتراوس.....	۱۹
۱- توجه به مذهب و ارزشهای سنتی.....	۲۰
۲- دشمن تراشی.....	۲۰
۳- صلح به انحطاط می انجامد.....	۲۰
۴- ضدیت با استبداد.....	۲۰
۵- تقسیم ارزشها به خیر و شر و ضدیت با نسبی گرایی.....	۲۱
۶- تأکید بر قدرت نظامی.....	۲۱
۷- ناسیونالیسم تهاجمی.....	۲۱
ب- مولفه های اندیشه نئومحافظه کاران (انطباق با رئالیسم تهاجمی).....	۲۲
- اعتقاد به لزوم دشمن خارجی.....	۲۲
- نظامی گری الگوری تحقق اهداف امنیتی.....	۲۳
- اندیشه هژمونیک و تفوق گرایی.....	۲۳
- دموکراسی تحمیلی.....	۲۴
- نگاه و تفکر ایدئولوژیک.....	۲۵
نتیجه گیری.....	۲۶

فصل دوم: تهدیدات نامتقارن در خاورمیانه: پیشینه و چشم اندازها

مقدمه.....	۲۹
------------	----

## بخش اول:

- تهدیدات نامتقارن: (پیشینه و تعاریف)..... ۳۱
- ویژگی های تهدیدات نامتقارن..... ۴۰
- سطوح تهدیدات نامتقارن..... ۴۴
- اشکال تهدیدات نامتقارن..... ۴۶
- انواع تهدیدات نامتقارن:
- ۱- تهدیدات هسته ای..... ۵۰
- ۲- تهدیدات شیمیایی و میکروبی..... ۵۲
- ۳- تهدیدات اطلاعاتی..... ۵۵
- مکانیزم های ایالات متحده برای مقابله با تهدیدات نامتقارن..... ۵۸

## بخش دوم:

- گروههای معارض با ثبات هژمونیک ایالات متحده (با تأکید بر القاعده)..... ۶۰
- القاعده: ماهیت و خاستگاه..... ۶۳
- القاعده: قلمرو سراسر جهان..... ۷۰
- مکانیزم های سازمان القاعده علیه ایالات متحده آمریکا..... ۷۳
- نتیجه گیری..... ۷۶

## فصل سوم: دکترین امنیتی - راهبردی ایالات متحده آمریکا: پیشینه و ابغاد

- مقدمه..... ۸۰
- استراتژی امنیت ملی ایالات متحده در قرن ۲۱..... ۸۴
- سند امنیت ملی ایالات متحده سپتامبر ۲۰۰۲..... ۹۵

- سیاستگذاری های امنیتی- راهبردی ایالات متحده براساس سند استراتژی امنیت ملی مارس

۲۰۰۶..... ۱۰۸

نتیجه گیری..... ۱۱۸

فصل چهارم: تأثیر تهدیدات نامتقارن در منطقه خاورمیانه بر دکترین امنیتی- راهبردی ایالات

متحدۀ آمریکا

مقدمه..... ۱۲۳

الف: رویکرد تقابل با تهدیدات نامتقارن در منطقه خاورمیانه..... ۱۲۶

- تفاوت حمله پیشدستانه و پیشگیرانه..... ۱۳۱

- تغییر نهادهای امنیت ملی آمریکا متناسب با چالش ها و فرصت های قرن

۲۱..... ۱۳۴

ب: دکترین راهبردی- امنیتی بوش و مقوله تحول و تغییر در قبال رژیمهای

یاغی..... ۱۳۵

ج: افزایش هزینه های نظامی از سوی کنگره آمریکا در راستای کاهش تهدیدات نامتقارن در منطقه

خاورمیانه..... ۱۴۳

د: اقدامات نامتقارن و تصاعد بحران در روابط ایران و آمریکا..... ۱۴۷

نتیجه گیری..... ۱۵۱

نتیجه گیری..... ۱۵۵

منابع..... ۱۶۰

# کلیات پژوهش

مقدمه

## ۱- طرح مسأله (تعریف و اهمیت موضوع):

استراتژی امنیتی- راهبردی ایالات متحده آمریکا در نخستین دهه سده بیست و یکم با دگرگونی های مشهودی روبرو شده است که بسیار متفاوت با استراتژی این کشور در قرن بیستم می باشد. پس از پایان جنگ سرد و تعارضات ایدئولوژیکی مابین دو ابرقدرت شرق و غرب در اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ به دلیل تغییر و دگرگونی در قواعد بازی بین المللی بسیاری از مفاهیم و متغیرهای بین المللی از منظر سطح تحلیل دچار دگرگونی شدند.

در دوران نظام دو قطبی ایالات متحده آمریکا از استراتژی بازدارندگی برای مقابله با تهدیدات استفاده می نمود که عموماً این تهدیدات نشأت گرفته از بلوک شرق و تعارضات ایدئولوژیکی- امنیتی با اتحاد جماهیر شوروی بود؛ استراتژی بازدارنده نیز مبتنی بر ضربه دوم بود یعنی ایالات متحده آمریکا تلاش داشت تا با افزایش هزینه های تهاجم نظامی کشورهای رقیب از پیروزی آنان جلوگیری به عمل آورد. این امر به رقابت های گسترده تسلیحاتی منجر گردید.

در دوران جنگ سرد ایالات متحده آمریکا در راستای ایجاد توازن ایدئولوژیکی و افزایش سطح تأثیرگذاری راهبردی- امنیتی خود در نظام بین الملل می کوشید تا با حمایت و تجهیز گروههای ایدئولوژیکی مبارزه طلب علیه اتحاد جماهیر شوروی سطح تأثیر گذاری این کشور را کاهش دهد.

در دوران پسا جنگ سرد به دلیل فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و بلوک شرق و دگرگونی در مفهوم تهدید متقابل، گروههای فوق الذکر کارکرد امنیتی- راهبردی خود را در استراتژی امنیتی

دولتمردان ایالات متحده آمریکا از دست دادند و ایالات متحده با قطع حمایت‌های مالی و تسلیحاتی خود از آنها، آنان را مثابه گروه‌های تروریستی تلقی نمود.

بسیاری از این گروه‌ها به دلیل کارکرد نظامی خود در دوران جنگ سرد، در مقطع زمانی پسا جنگ سرد نیز فعالیت‌های خود را علیه ائتلاف غرب ادامه دادند که از آن جمله می‌توان به گروه القاعده (Al-Qaeda) که برخاسته از گروه سربازان عرب-افغان تحت حمایت ایالات متحده آمریکا در دوران نظام دوقطبی بود، اشاره نمود. این گروه‌ها با توجه به شاخصه فراملیتی خود تلاش نمودند تا علیرغم قدرت نظامی-امنیتی غیر متوازن خود با دولت ایالات متحده آمریکا- که جنبه نظامی غیر کلاسیک دارد و به عنوان تهدید نامتقارن قلمداد می‌شود- نقاط آسیب پذیر امنیتی ایالات متحده به مثابه یک قدرت هژمون در نظام بین‌المللی را مورد تهدید قرار دهند که رویداد ۱۱ سپتامبر نقطه عطفی در این زمینه تلقی می‌گردد.

با وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ همزمان با دولت نئومحافظه کار جورج واکر بوش، نئومحافظه کاران (neoconservative) ایالات متحده آمریکا کوشیدند تا در دکترین راهبردی-امنیتی خود که طی سالهای ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۶ در اسناد امنیت ملی آمریکا مندرج است بر مقوله مبارزه با تهدیدات نامتقارن (Assymetric Threats) در راستای افزایش امنیت و منافع ملی این کشور تأکید کنند.

در دوران جدید و پس از رویداد ۱۱ سپتامبر دکترین راهبردی-امنیتی ایالات متحده آمریکا عمده ترین تهدیدات خود را در منطقه خاورمیانه و نه از طریق جریان‌ات تعارضی با واحدهای ملی که بواسطه تهدیدات نامتقارن ارزیابی می‌کند و با توجه به اینکه گروه‌های تروریستی به عنوان سازوکارهای تهدید نامتقارن از نقاط آسیب پذیر مشخص برخوردار نیستند و دائما از استراتژی جنگ روانی و تبلیغاتی و نبردهای شبکه‌ای بهره می‌گیرند و هدف عمده خود را ضربه زدن به منافع کلان راهبردی-امنیتی ایالات متحده آمریکا تلقی می‌کنند، دکترین راهبردی-امنیتی ایالات متحده دستور

کار ضربه اول- که دارای رویکرد و جهت گیری تهاجمی می باشد- را برای مقابله با این تهدیدات برگزیده است.

بر این اساس می توان گفت که طیف نئومحافظه کاران آمریکا در دکتربین راهبردی- امنیتی خود با بهره گیری از رویکرد خاص واقعگرایانه مبتنی بر سازوکارهای سخت افزاری که به یک تعبیر می توان آن را با رویکرد رئالیسم تهاجمی جان میرشایمر همسان تلقی کرد، تلاش می کنند تا در راستای حفظ برتری خود در نظام سلسله مراتبی کنونی متمایل به تک قطبی، از مولفه های مداخله گرایانه مستمر ژئوپلیتیکی- ژئواستراتژیکی در خاورمیانه و بویژه در محیط پیرامونی امنیتی کشورهای واگرا با سیاست گذاری های ایالات متحده آمریکا و به تعبیر ایالات متحده حامیان تهدیدات نامتقارن، با الگوی قدرت سازی سخت افزاری- نرم افزاری و افزایش سطح عملیاتی خود جهت غافلگیری استراتژیکی کارگزاران تهدیدات نامتقارن علیه ایالات متحده، به اهداف مطلوب خود دست یابند. با توجه به تأکید نئومحافظه کاران در سیاست اعمالی خود و دکتربین راهبردی- امنیتی ایالات متحده در مقابله با تهدیدات نامتقارن می توان گفت استراتژی امنیت ملی تدافعی محور، که بازتاب دوران جنگ سرد بود، جای خود را به استراتژی امنیت ملی تهاجمی، که متناسب با دوران هژمونی و عصر تک قطبی نظامی- ارزشی می باشد داده است. بر این اساس مولفه های رفتاری نئومحافظه کاران در قبال مقابله با تهدیدات نامتقارن را می توان با ویژگی های رئالیسم تهاجمی منطبق نمود. تحت این شرایط پژوهشگر در تحقیق حاضر می کوشد تا به این سؤال اصلی پاسخ دهد که تأثیر تهدیدات نامتقارن خاورمیانه بر دکتربین امنیتی- راهبردی نئومحافظه کاران ایالات متحده آمریکا چگونه است؟



با توجه به مطرح گردیدن مقوله تهدیدات نامتقارن در دوران پسا جنگ سرد، بویژه تأکید بر آن در مقطع زمانی پس از رویداد ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ اصولاً آثار و منابع موجود در زمینه مورد بحث طی سالیان اخیر و بیشتر به زبان انگلیسی (بعضاً به زبان فارسی نیز ترجمه شده اند)، به نگارش درآمده است.

ضمن آنکه در برخی از سایت های اینترنتی روابط بین المللی همچین مرکزی نظیر: مرکز مطالعات جنگ وابسته به سپاه پاسداران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، دانشگاه امام حسین، دانشکده فرماندهی و ستاد دوره عالی جنگ و... به صورت پراکنده به موضوع تهدیدات نامتقارن پرداخته شده است اما تأثیر این پدیده (تهدیدات نامتقارن) بر دکترین امنیتی- راهبردی نئومحافظه کاران ایالات متحده، موضوعی است که از روزآمدی و کاربرد بسیاری در روابط بین الملل برخوردار بوده و تاکنون در قالب پژوهشی خاص به آن پرداخته نشده است.

### ۳- سوال اصلی و سوالات فرعی تحقیق:

سوال اصلی:

تأثیر تهدیدات نامتقارن در منطقه خاورمیانه بر دکترین راهبردی- امنیتی نئومحافظه کاران ایالات متحده آمریکا چگونه است؟

سوالات فرعی:

الف- اندیشه ها و عملکرد نئومحافظه کاران ایالات متحده در چارچوب کدام یک از تئوری های

روابط بین الملل قابل تبیین است؟

ب- معنا و مفهوم تهدیدات نامتقارن چه می باشد و پیشینه آن در منطقه خاورمیانه چگونه است؟

ج- تهدیدات نامتقارن- بویژه در منطقه خاورمیانه- چه جایگاهی در اسناد امنیتی نئومحافظه کاران ایالات متحده آمریکا دارد؟

د- ثبات هژمونیکی ایالات متحده و تهدیدات نامتقارن خاورمیانه چه جایگاه و تأثیری در دکترین راهبردی- امنیتی آن کشور دارند؟

۴- مفروض ها:

الف- منطقه خاورمیانه از اهمیت ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیکی خاصی برای ایالات متحده و نئومحافظه کاران برخوردار است؛

ب- رویداد ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ ضرورت مبارزه با تهدیدات نامتقارن را در سیاست گذاری های راهبردی- امنیتی ایالات متحده افزایش داده است؛

ج- تروریسم فراملیتی نمونه یک تهدید نامتقارن عمده برای نئومحافظه کاران ایالات متحده آمریکا است؛

د- ایالات متحده آمریکا برای پیشبرد هژمونی مورد نظر خود می باید تهدیدات نامتقارن علیه خود را کاهش دهد.

۵- فرضیه ها:

فرضیه اصلی:

تهدیدات نامتقارن در منطقه خاورمیانه موجب رویکرد دکترین راهبردی- امنیتی نئومحافظه کاران ایالات متحده آمریکا به اقدامات پیشدستانه گردیده است.

فرضیه رقیب:

تهدیدات نامتقارن در منطقه خاورمیانه موجب رویکرد دکترین راهبردی- امنیتی نئومحافظه کاران ایالات متحده آمریکا به سیاست های حفظ وضع موجود در منطقه خاورمیانه گردیده است.

۶- مفاهیم و متغیرهای اصلی تحقیق:

متغیر اصلی تحقیق:

تهدیدات نامتقارن در منطقه خاورمیانه

متغیر وابسته (تبعی):

دکترین راهبردی- امنیتی نئومحافظه کاران ایالات متحده آمریکا

پژوهشگر می کوشد تا تأثیر متغیر اصلی را بر متغیر تبعی (وابسته)، مورد بررسی و آزمون قرار

دهد.

رویداد ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱: رویدادی تروریستی که عملاً موجب شد تا سیاست گذاری های راهبردی- امنیتی ایالات متحده آمریکا از سطح دولتهای معارض با یکجانبه گرایی آمریکا به سطح تهدیدات نامتقارن گروههای فراملیتی غیر دولتی متمرکز گردد.

دکترین راهبردی- امنیتی ایالات متحده آمریکا: دکترین راهبردی- امنیتی ایالات متحده ناشی از هنجارهای مبتنی بر یکجانبه گرایی و هژمونیک گرایی آمریکاست که گرچه با فروپاشی بلوک شرق مجال بروز یافت ولی عملاً تا سال ۲۰۰۱ و رویداد ۱۱ سپتامبر عملیاتی نگردیده بود. اسناد مطرح در مقوله دکترین راهبردی- امنیتی ایالات متحده دو سند عمده در موضوع مبارزه با تهدیدات نامتقارن در سالهای ۲۰۰۲ و ۲۰۰۶ است که طی آن بر ضرورت مبارزه با تهدیدات نامتقارن- به عنوان بزرگترین چالش امنیتی ایالات متحده آمریکا- تأکید گردیده است.

مقوله امنیت هویتی بزرگترین مشخصه اسناد امنیت ملی آمریکاست که طی آن بنیادگرایی اسلامی به مثابه بزرگترین تهدید برای امنیت ملی آمریکا تلقی شده است.

طی سند مصوب سال ۲۰۰۲ گروه‌های تروریستی بزرگترین عامل ایجاد کننده تهدیدات نامتقارن برای نئومحافظه کاران آمریکا بودند ولی بنا به تغییر پاره ای از قواعد بازی در سیاست خارجی آمریکا در سند امنیت ملی مصوب سال ۲۰۰۶ که به موضوع تهدیدات نامتقارن می پردازد جمهوری اسلامی ایران به عنوان بزرگترین تهدید برای امنیت ملی آمریکا در نظر گرفته شده است.

دکترین راهبردی- امنیتی ایالات متحده بر اتخاذ سیاست حمله پیشدستانه (ضربه اول) و اقدام پیشگیرانه (مبتنی بر نیت سنجی نیروهای تروریستی در سطح دولتی یا فرا دولتی)، تأکید دارد.

دکترین راهبردی- امنیتی ایالات متحده که مبتنی بر اسناد فوق الذکر و آموزه های فکری طیف تندرو جمهوریخواه و نئومحافظه کاران آمریکا می باشد، نقش خاصی را به زعم سیاست گذاران آمریکا در ایجاد روندهای مطلوب نظامی- امنیتی این کشور می تواند ایفا نماید.

#### ۷- روش تحقیق:

روش تحقیق بنا به مقتضیات موضوعی روش اسنادی می باشد. به این مفهوم که پژوهشگر می کوشد تا ابعاد مسئله حاضر را مورد تحلیل و تبیین نظر قرار دهد. ضمناً نظریه غالب مورد استفاده در این پژوهش نظریه رئالیسم تهاجمی می باشد.

#### ۸- فهرست مطالب پایان نامه و برنامه زمانبندی انجام آن:

در طی مراحل پژوهش چارچوب بندی موضوع در قالب یک مقدمه، چهار فصل و یک نتیجه گیری تنظیم گردید. قسمت مقدمه به بیان کلیات پژوهش اختصاص دارد و در واقع روشن کننده فضا و